

یادداشت‌هایی برای آیندگان

محمد بای

البته تلاش برای اصلاح قوانین اشتباه یا ناکارآمد هم بخش مهمی از این فعالیت است.

فعالیت صنفی؛ تمرین دموکراسی دردآور ولی مفید!

فعالیت صنفی در دانشگاه نسبت به فعالیت سیاسی حوزه‌ای مهم‌تر و حساس‌تر است. شما درون یک تشکل سیاسی با همفکران خود جمع می‌شوید و در راه رسیدن به آرمان‌های سیاسی مطلوب جمع تلاش می‌کنید و البته برای مقابله با تحرکات رقیب نیز انرژی می‌گذارید؛ ولی در انجام کار صنفی باید این توانایی را داشته باشید تا نگرش سیاسی و عقیدتی‌تان با مسائل صنفی تداخل نداشته باشد. باید به همان اندازه که برای دوستان و همفکران خود تلاش می‌کنید برای مخالفین فکری خود هم انرژی بگذارید. مخالفینی که شاید در جایی خارج از فعالیت صنفی با یکدیگر درگیری هم داشته باشید!

جنگجویی که نجنگیرد اما شکست خورد!

ممکن است به عنوان یک فعال صنفی به مواردی متهم شوید؛ آرام باشید و لبخند بزنید!

ثبت شود تا یادمان بماند!

تجربیات چندساله‌ی نگارنده در حوزه‌ی امور صنفی، به نتایجی ختم شد که فکر می‌کنم ثبت شدن این تجربیات و به اشتراک گذاشتنِ آن‌ها می‌تواند برای دانشجویانی که قصد فعالیت در حوزه‌ی امور صنفی را دارند، راهگشا باشد.

چگونه آغاز شد!

یک سخن معروف هست که احتمالاً همه شنیده‌ایم با این مضمون که قدرت نه گفتن داشته باشید. فکر می‌کنم این سخن نیاز به مقدمه‌ی مهمی دارد که پیش‌نیاز «نه» گفتن است؛ قدرت «چرا» گفتن! پرسیدن این «چرا» باعث می‌شود شخص بتواند با منطق و نگرش انتقادی سراغ هر موضوعی برود. در ادامه می‌شود این نگرش را در تمامی امور به کار بست که یکی از آن‌ها هم مسائل صنفی و نحوه برخورد با قوانین و مسئولان است.

عهد نایستن از آن به که ببندی و نیایی

اینکه درون دانشگاه و دانشکده‌ها اشخاص خاصی را فعال صنفی قلمداد کنیم دچار اشتباه شده‌ایم. در حالتِ درست و اصولی، هر دانشجو یک فعال صنفی است؛ با استناد به این اصل که هر انسان برخوردار از حقوق انسانی است، پس هر دانشجو برخوردار از حقوق دانشجویی است. مبتنی بر همین نظریه، هر شخص باید برای احقاق حق خود تلاش کند و زمانی هم که افرادی را به عنوان شورای صنفی انتخاب کرد کار را تمام‌شده نداند. باید در کنار آن‌ها بایستد و برای حقوق انسانی و دانشجویی خود تلاش کند. اگر هر دانشجو وظیفه‌ی تغییر را بر دوش خود احساس کند، می‌تواند عضوی از این روند تغییرات باشد که در راستای منافع جمعی و بر بستر قانون شکل می‌گیرد.

کاغذ اخبار

* پس از چند سال وقفه، دانشکده‌ی علوم اجتماعی زمستان امسال با چندین برنامه‌ی دانشجویی به استقبال سال نو خواهد رفت. درخواست مجوز برای این برنامه‌ها به معاونت فرهنگی دانشکده تقدیم شده است و در صورت تأیید، در هفته‌ی سوم اسفند برگزار خواهند شد:

- جشن «بوی عیدی»؛ این جشن دانشجویی با حال و هوای نوروزی عصر یکشنبه، ۱۶ اسفندماه، در تالار ابن خلدون برپا می‌شود. دانشجویانی که مایل به همکاری در بخش‌های مختلف این مراسم هستند، به شورای صنفی دانشکده اعلام آمادگی کنند.

- مانند سال گذشته، بازارچه‌ی خیریه‌ی «انجمن دوستداران کودک پوشش» به مدت سه روز، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ اسفندماه در لابی ابن خلدون برگزار است.

- فضای سبز دانشکده نیز از نشاط روزهای منتهی به عید نوروز بی نصیب نمی‌ماند. شنبه‌ی آینده، پانزدهم اسفندماه، همزمان با روز درختکاری، چندین اصله نهال به دستان دانشجویان دانشکده، در محوطه کاشته خواهد شد. امید این است که درختکاری در دانشکده‌ی علوم اجتماعی تبدیل به یک سنت همیشگی شود و به هر بهانه، نهال‌هایی در گوشه و اطراف محوطه جان بگیرد؛ چشم انتظاریم که سال آینده، شاهد تحولی در فضای سبز دانشکده باشیم.

راه ارتباطی نشریه‌ی ویرگول ✉ virgoul.mag@gmail.com

دورنگ

شماره بیست و پنجم/ اسفند ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

مدیرمسئول: مهدی یار زمزم

سردبیر: صبوراً سمنانیان

رسوم کمرنگ‌شده‌ی دانشکده

محمد حسینی



چشم‌چانی ورودی‌های سال ۸۴ و ۸۵ - دانشکده علوم اجتماعی

همواره دانشکده‌ی علوم اجتماعی در سال‌هایی که در آن حضور داشتیم محل بحث، جدل و رخدادهای متفاوت و متعددی بوده است. رخدادها و جدل‌های آموزشی، مسائل صنفی و مباحث علمی و غیره. اما مسئله‌ی مهم‌تری که جالب به نظر می‌آید این است که تمامی این اتفاقات و رخدادها، مکان و زمان مشخصی را به خود اختصاص می‌داد. به عبارت دیگر، هر نکته در زمان و مکان خود مطرح می‌شد و هیچگونه اختلاطی بین اتفاقات و رخدادها ایجاد نمی‌شد.

در زمانی که دانشگاه در غم از دست دادن یکی از دانشجویان در سال ۸۷ به سوگ نشست، به واقع همه‌ی دانشجویان عزادار این فراق شدند و در زمان طرح مباحث انتقادی و علمی- آموزشی، تمامی دانشجویان، فارغ از هر جهت‌گیری سیاسی و اعتقادی، همدل و یک صدا شدند. همچنین در زمان اعیاد ملی- مذهبی، شادی در چهره‌ی همه موج می‌زد و این مهم باعث می‌شد تا هر دانشجو به عنوان یک نیروی فردی در راستای برگزاری

مراسمی در جهت آن مناسبت، به جمع دانشجویی پیوند بخورد. نکته‌ی کلیدی که وجه اشتراک تمامی این رخدادها و تبدیل آن برنامه‌ها و حوادث به نوستالژی و خاطرات به یادماندنی شد، « انسجام و همدلی دانشجویان» بود. این انسجام و همدلی در تمام رخدادهای دانشکده نمود پیدا می‌کرد. یکی از عرصه‌هایی که این همدلی دانشجویی به اوج خود می‌رسید، جشن‌ها و مراسم‌های دانشجویی بود. مراسم‌هایی که در مناسبت‌های مختلف، البته با پیشگامی شورای صنفی و همکاری بسیاری از دانشجویان، برگزار می‌شد. نکته‌ای که در این مراسم‌ها جالب به نظر می‌رسید، همکاری اکثر دانشجویان، فارغ از سویه‌های سیاسی و اعتقادی بود. در تقسیم‌کاری که در این مراسم‌ها بین دانشجویان انجام می‌شد، همه‌ی گروه‌ها از بسیج و انجمن اسلامی گرفته، تا انجمن‌های علمی، دانشجویان و حتی اساتید دانشکده به نوعی همکاری می‌کردند. اساتید با کمک‌های مالی و همچنین حضور فیزیکی خود در این مراسم‌ها، موجب دلگرمی دانشجویان

بیانیه‌ی مشترک ۳۳ شورای صنفی دانشگاه‌های کشور

سی و سه شورای صنفی از دانشگاه‌های سرتاسر کشور- از جمله شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران- با انتشار بیانیه‌ای مشترک، ضمن اعتراض به قوانین تبعیض‌آمیز در پذیرش دانشجو و تجاری‌سازی آموزش، به بیان مطالبات صنفی پرداختند. متن کامل بیانیه، که با یادآوری سه اصل از قانون اساسی آغاز می‌شود، به شرح زیر است:

اصل سی‌ام قانون اساسی- دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی ملت تا پایان دوره‌ی متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل نوزدهم قانون اساسی- مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل چهل و سوم قانون اساسی- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

شکی نیست که آینده‌ی کشور در گرو بهبود و توسعه‌ی کیفی نظام آموزش عالی است؛ نظامی که مستقیم و غیرمستقیم فضای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را شکل می‌دهد. اما همان اندازه که کیفیت آموزش در این نظام مهم است، نحوه‌ی ورود به آن، تهیه‌ی امکانات رفاهی لازم و رفع تبعیض و نابرابری نیز حساس و حائز اهمیت است. متأسفانه با رویکردی که مجالس و دولت‌های پیشین و فعلی در قبال این امر داشته‌اند، مشکلات فراوانی گریبان‌گیر آموزش عالی کشور شده است و باید هر چه سریع‌تر برای

شد. جشن چای، به عنوان یکی دیگر از مراسمی مطرح بود که انتهای هر ترم، در واقع هفته‌ی آخر هر ترم، برگزار می‌شد. مکان برگزاری این جشن، سلف آقایان بود که در آن همه‌ی دانشجویان در سلف جمع شده و وسایل پذیرایی مختصری به همراه چای فراهم می‌کردند و مراسم به صورت یک برنامه‌ی یکی دو ساعته برگزار می‌شد. جشن یلدا، به مناسبت شب یلدا برگزار می‌شد. در دوره‌ای که به یاد دارم، یک دوره در سلف آقایان و از دوره‌های بعد در تالار ابن‌خلدون برگزار می‌شد. این جشن و همچنین جشن «بوی عیدی»، که در اواخر اسفند ماه و به مناسبت عید نوروز برگزار می‌شد، از رگه‌های ملی- مذهبی برخوردار بودند. در آن‌ها از آداب و رسوم قدیم در قالب شعرخوانی، تئاتر و سخنرانی یکی از اساتید گفته می‌شد. برنامه‌ریزی برای این جشن‌ها



عکس‌ها: جشن شب یلدا- سال ۱۳۸۵ تالار ابن خلدون



مهاجرت افسارگسیخته‌ی کارگران به شهرهای بزرگ بسیار ناچیز است؛ که همگان می‌دانند سیاست‌های اقتصادی غلط و شکاف طبقاتی هولناک جامعه باعث و بانی آن بوده است. همه‌ی این‌ها در حالی است که مهاجرت برای تحصیل ثمرات مثبت بسیاری در افزایش سرمایه‌ی فرهنگی و تسهیل درک متقابل میان قومیت‌های مختلف کشور داشته‌است؛ ثمراتی که نمی‌توان از آن به راحتی چشم پوشید. ایجاد فاصله‌ی تبعیض‌آمیز بین قومیت‌ها و جدایی آن‌ها از یکدیگر و دامن‌زدن به شکاف مرکز و پیرامون در اثر طرح معیوب و بحران‌زای بومی‌گزینی در درازمدت مشکلات سیاسی، فرهنگی و امنیتی زیادی به بار خواهد آورد که بی‌شک گریبان نظریه‌پردازان و مجریان اینگونه طرح‌ها را اول از همه خواهد گرفت!

راهکار عقلانی برای رفع این مشکلات، تمرکززایی از امکانات آموزشی به طور اخص و فراهم‌آوردن امکانات زندگی به صورت برابر در تمام مناطق کشور است که ساخت خوابگاه‌های دولتی و ارائه‌ی خدمات رفاهی مناسب به دانشجویان غیر بومی گام کوچکی از این طرح کلان است که باید فوراً در دستور کار هر دولتی قرار گیرد، تا همگان ببینند آسیب‌پذیری دانشجویان غیر بومی به دلیل دوری از محل زندگی است، یا ارائه‌ی طرح‌های فاجعه‌باری چون بومی‌گزینی که دانش‌آموزان مناطق محروم را از حق انتخاب و ورود به دانشگاه‌های برتر کشور و به دنبال آن زندگی دلخواه محروم می‌کند.

متأسفانه از یک‌سو تأسیس مدارس غیردولتی و موسسات خصوصی کنکور باعث می‌شود تا طبقه‌ی خاصی از جامعه بتواند از طریق پول، احتمال ورود خود به دانشگاه‌های دولتی را افزایش دهد و حتی اگر نتوانست از این طریق وارد دوره‌های روزانه شود، بتواند با پرداخت شهریه (شبانه و بین‌الملل) وارد بهترین دانشگاه‌های کشور شود. از سوی دیگر بسیاری از دانش‌آموزان مستعد مناطق محروم در عین این که صلاحیت‌های علمی لازم را دارند، به دلیل طرح بومی‌گزینی و همچنین امکانات کم آموزشی در رقابتی نابرابر از تحصیل در دوره‌های روزانه‌ی دانشگاه‌های معتبر کشور باز می‌مانند. با وجود همه تبعیض‌هایی که به آن اشاره شد، در این میان دانش‌آموزانی هستند که از مناطق محروم وارد دوره‌های روزانه دانشگاه می‌شوند و متأسفانه با دور جدیدی از تبعیض‌ها و فشارهای مالی ناشی از افزایش هرساله و نامعقول نرخ امکانات رفاهی (تغذیه، اسکان و ...) مواجه می‌شوند و با خون دل، دوران تحصیل خود را سپری می‌کنند.

مثلاً در سالیان اخیر، با افزایش اهمیت پژوهش در دانشگاه و البته رفتن امر پژوهش به سمت

تجارت و طرح‌های نظامی، طبق معمول تمام فشار تولید علم و در واقع سودآوری در دانشگاه بدون مزد و حقوقی متناسب بر دوش دانشجویان است و همین امر موجب افزایش زمان تحصیل دانشجویان شده است. در این بین از یک‌سو صندوق رفاه دانشجویان بر خلاف وظیفه‌ی ذاتی خود با افزایش سرسام‌آور هزینه‌های رفاهی دانشجویان سنواتی، فشاری دو چندان به آن‌ها وارد می‌کند و از سوی دیگر وزارت علوم نیز در اقدامی تأمل‌برانگیز و با زیر پا گذاشتن قانون اساسی، از دانشجویان سنواتی شهریه می‌گیرد. همه‌ی این‌ها در حالی است که دانشجویان سنواتی از طرفی قربانی استثماری علمی و پژوهشی، به صورت کار بی‌مزد و از طرف دیگر مقهور جاه‌طلبی مسئولان دانشگاه و وزارت علوم برای افزایش رتبه‌ی دانشگاه‌ها، از طریق افزایش چاپ مقاله ... هستند.

ما شوراهای صنفی- رفاهی کشور اینگونه اعتراض خود را به این طرح‌ها اعلام می‌کنیم و هشدار می‌دهیم که ادامه‌ی این طرح‌ها باعث به وجود آمدن مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی بسیاری برای کشور خواهد شد که بی‌شک، اولین جرقه‌های آن در دانشگاه‌ها دیده خواهد شد. دولت به جای شانه خالی کردن از مسئولیت‌های اجتماعی خود، باید با عزمی جدی و راسخ محرومیت‌زدایی از مناطق محروم را آغاز کند و حق انتخاب محل تحصیل، تمرکززایی از امکانات آموزشی و امکانات برابر آموزشی را به رسمیت بشناسد و گسترش دادن وسایل تحصیلات عالی تا سرحد خودکفایی کشور را، همانگونه که در قانون اساسی آمده است، وظیفه‌ی خود بداند، و از این موج ویرانگر تبعیض، خصوصی‌سازی و تجاری‌سازی آموزش جلوگیری نماید.

شوراهای صنفی امضاکننده‌ی بیانیه:

۱- اراک -۲ بزرگمهر قانئات ۳- بوعلی سینا همدان -۴ بیرجند -۵ بین المللی امام خمینی قزوین -۶ تربیت مدرس -۷ خلیج فارس بوشهر -۸ خوابگاه‌های دانشگاه تهران -۹ رازی کرمانشاه -۱۰ زابل -۱۱ سیستان و بلوچستان -۱۲ شهرکرد -۱۳ شهید مدنی تبریز -۱۴ شیراز -۱۵ صنعتی ارومیه -۱۶ صنعتی اصفهان -۱۷ صنعتی بیرجند -۱۸ صنعتی سهند تبریز -۱۹ صنعتی شریف -۲۰ صنعتی نوشیروانی بابل -۲۱ علم و صنعت ایران -۲۲ علوم اجتماعی دانشگاه تهران -۲۳ فسا -۲۴ کاشان -۲۵ گلستان -۲۶ گیلان -۲۷ مازندران -۲۸ هرمزگان -۲۹ هنر اسلامی تبریز -۳۰ هنر اصفهان -۳۱ یاسوج -۳۲ تربیت دبیر رجایی -۳۳ مجتمع آموزش عالی اسفراین